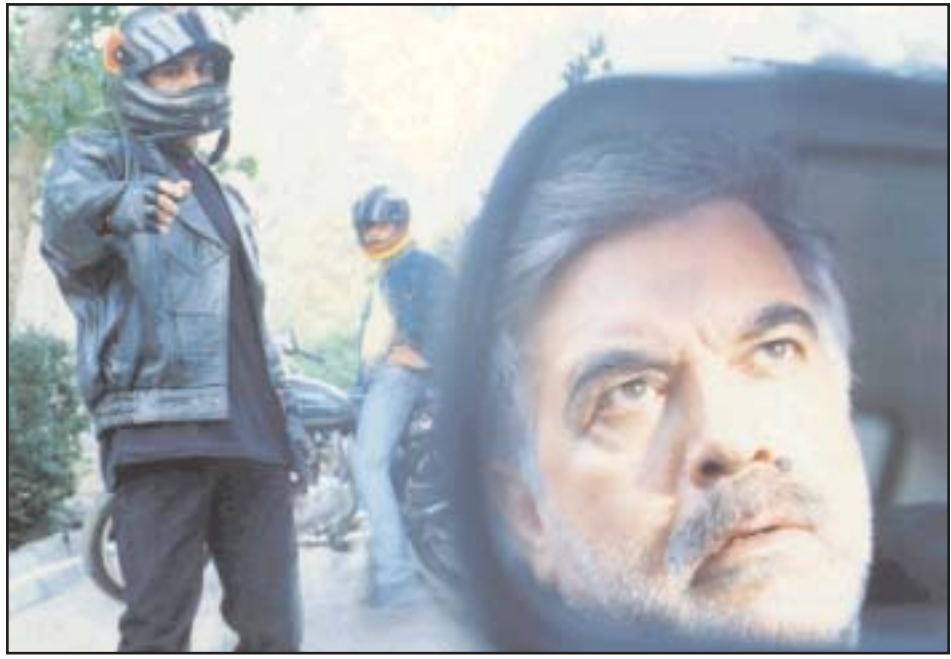




مشکلی که ناشی از همین جذب مخاطب است، تحت الشعاع قرار گرفتن حرف اصلی سهیلی است، یعنی او وقتی مخاطب را جذب می‌کند، آنقدر مشغول این کار می‌شود که حرف اصلی او در فیلم گنگ مانده است. (ب) صحنه معروف سهیلی که در همه



فیلمهایش به کار می‌برد، در این فیلم دیده نشد (صحنه ای که خط سیر آن نام و عکس شهیدان بود) شاید جایگزین آن، صحنه خروج شیوا از بیمارستان و دنبال کردن خونی باشد که روی زمین ریخته می‌شود، چون به هر حال سهیلی قصد نشان دادن آدمهایی را داشت که از لحاظ معنوی برهنه اند و در این فیلم، کسانی که در فکر و اندیشه او جامعه معنویت بر تن دارند، در خاک خفته اند. (ج) نکته مثبت فیلم خسته نشدن بیننده از فیلم است که شاید به ریتم نسبتاً تند پایان فیلم بستگی دارد. (چ) نکته جالب در بازی بازیگران شب برهنه، بازی قوی تر شادمهر عقیلی (خواننده و آهنگساز پاپ) در مقایسه با زهرا محمودی (بازیگر) است آیا عجیب نیست؟ البته نباید از

پیچیدن از ضرب چاقو و درد جدایی از عشق که در ترانه شادمهر عقیلی هم نمود پیدا می‌کند. رو به رو شب و سیاهی بی کسی پشت سر منم می‌تونم که بمونم باید از تو بگذرم. (خ) در شب برهنه هر یک از شخصیت‌ها نماد و نشانه ای از افراد جامعه (که اکثریت هم هستند) هستند همان طور که رشید در میانه فیلم، می‌گوید: من بچه بدبختی‌ام، پوریا بچه تیرو ترکش و جنگ، ولی آرش به چه فرصت طلبی پایان فیلم، گویای وضعیت این سه نماد است که سرنوشت آنها با سرنوشت انسان‌های واقعی جامعه ما که جزو این سه گروهند چندان تفاوتی ندارد. (د) سخن پایانی این که شب برهنه سعید سهیلی راه فیلمهای قبلی‌اش را رفته، ولی از جاده خاکی که موازی با جاده اصلی است.

# دفاتر حقوقی دکتر شاهین صداقت

وکیل رسمی دادگاه های  
کالیفرنیا و فدرال



- ✓ دفاع در دادگاه های مهاجرت (اخراج)
- ✓ ویزاهای کوتاه مدت کاری
- ✓ ویزاهای تحصیلی
- ✓ کارت سبز از طریق خانواده
- ✓ کارت سبز از طریق کار
- ✓ مشاوره با افرادی که در بازداشت هستند

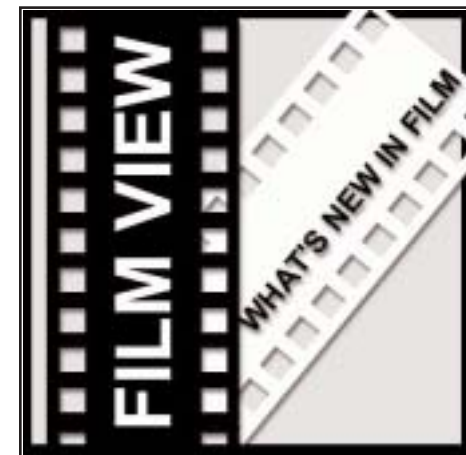
**پیشنهاد میکنیم برای بر طرف کردن موانع مهاجرتی از  
وکلائی رسمی استفاده نمائید و قبل از استرداد تقاضای  
ویزا با آنان مشورت نمائید.**

**(818) 382-3333**

**(818) 382-3319**

**15250 VENTURA Blvd, #802**

**www.visaattorney.com**



بلند شدم و آنقدر دنبال صندلی گشتم تا کنار یک دختر خانم کوچولو نشستم .  
شب خارجی مجلس عروسی خانمی که آرایش غلیظی داشت ، گفت : اونا به هم نمی‌رسن یعنی من نمی‌ذارم پرسن . مجلس عروسی پوریا با این صدا به هم ریخت : من حامله ام حامله می‌فهمی؟ و اعصاب من هم با این صدا : مامان جون خیلی تنده اون چیپس دیگه رو بده شعله (با بازی آمنه کیوانی) که مجلس عروسی را به هم زده بود ، در شرکت

می‌دهند تا این که به سراغ رشید که از کودکی با پوریا و آرش و شیوا (همسر پوریا که مجلس عروسی شان توسط شعله به هم خورده بود) با هم بزرگ شده اند و حالا هر سه هم خواهان شیوا (با بازی زهرا محمودی) هستند می‌رود .  
پوریا و رشید (با بازی اشکان قاسمی) در آمبولانسی که پوریا با آن از بیمارستان فرار کرده است ، نشسته اند . رشید : من اون دختره رو (شعله) به تو دادم ، شکمشو سیر کنی تو هم نامردی نکردی و این قدر سیرش کردی که باد

پوریا قید او را می‌زند و به خانه خودش پناه می‌برد . داستان تا اینجا بخوبی راهش را یافته و ریتم مناسب خود را پیدا کرده است هرچند گاهی با استفاده از صحنه های رنگارنگ و جوان پسند و بویژه استفاده از شادمهر عقیلی نیم نگاهی یا حتی بیشتر از نیم نگاه به گیشه دارد . یکی از صحنه های زیبای فیلم صحنه ای است که پوریا از پدر ناتنی خود جواب می‌شود (پدری که به عقیده خود پوریا رد فاشق داغ بر پیشانی دارد ) و به سر مزار پدر اصلی خود ،

## روایتی گنگ از آنچه ممکن است در "شب برهنه" اتفاق بیفتد: روایت روح برهنه آدمها



■ **سعید سهیلی را با کارهایی چون مردی شبیه باران ، مردی از جنس بلور سهراب و حالا شب برهنه می‌شناسیم . سهیلی در جدیدترین اثرش برخلاف فیلمها یا بهتر است بگوییم سریال گذشته اش به دلیل پیوستگی مضامین سه اثر قبلی او این بار به مضمونی نو پرداخته است .**  
او می‌خواهد بگوید بازیهای قهرمانانه مردان بارانی و بلوری و اناری قصه هایش (نام فیلم سهراب ، ابتدا ، مردی به رنگ انار بوده) چیزی جز برهنگی در شب ظلمانی برای فرزندان شان ندارد ، فرزندی که برای ورود به تاریکی از پدر فانوسی یادگار ندارد . همه جا تاریک بود . پاهایم را روی زمین می‌کشیدم تا زمین نخورم . در سالن شلوغ به اولین صندلی خالی که رسیدم ، نشستم تیتراژ فیلم ، مجلس عروسی بود . تصویر پوریا (با بازی شادمهر عقیلی) که بر پرده نقش بست ، زمزمه ها به گوشم رسید اما انگار یکی از صداها واقعا زمزمه هم نبود ، بچه ها مطمئن باشین شاد می‌خونه ، فقط از سوت و دست دریغ نکنین ها باشه من که هویت کناری هایم را شناخته بودم ،

پدر شهیدش می‌رود و عقده دلش را باز می‌کند . شب خارجی بهشت زهرا در حالی که باران می‌بارد پویا : بلند شو بلند شو من و بزنی نمی‌تونیم؟ پس به حرفام گوش کن . من که لحظه لحظه بیشتر به فیلم پیوند می‌خوردم ، برگشتم و کسانی را که می‌خواستند با ترانه شادمهر سوت بزنند نگاه کردم .

هنوز در سینما بودند . مادر پوریا و شیوا به درخواست پوریا برای دیدنش به جایی می‌روند که پناه برده ، یعنی قبرستان قطارها که البته ریل اصلی هم دارد و با قطار آتش گرفته روبرو می‌شوند . خواندن داستان فیلم تا همین جا کافی است ، چون حرفهای کارگردان از حالا تا پایان فیلم لابلای دیالوگها نهفته است و به قضاوت شخصی هر کس نسبت به ۳ جوان اصلی فیلم برمی‌گردد .

الف ( سهیلی حرف برای گفتن زیاد دارد ، ولی مشکل او جذب مخاطب است (که البته مشکل او تا حدی با سهراب حل شد ) ولی

کرد . صدایی می‌گوید : مامان مامان جون متوجه می‌شوم باز هم خانم کوچولوی کنارم است که به مادرش می‌گوید : دستشویی دارم کات . بازگشت به فیلم : چون رشید آدم درستی نیست

کامپیوتری پوریا و آرش (با بازی علی قربانزاده) به دار آویخته شده تا این جا تنها نکته دلچسب فیلم موسیقی آن است . حالا باید ببینیم نویسنده چگونه جسد رارو می‌کند ! روز داخلی شرکت : آرش مشغول نشان دادن طرحهایی است که برای یکی از نامزدهای انتخاباتی زده است . نامزد : آها این برای پایین شهر خوبه . مرد همراه نامزد : حاج آقا خبر رسیده ستادتون رو آتش زدند .

نامزد : عیب نداره ، خودی ان . صدای خنده جمع مرا به خود می‌آورد . به چه می‌خندند؟

شاید به فریبهایی که خوردند و خواب بودند اما ادامه فیلم : پوریا که قصد انتقال جسد را به باغ پدر آرش داشت و از سوی پلیس تعقیب می‌شود ، در حین فرار تصادف می‌کند و راهی بیمارستان می‌شود بعد در حال فرار از بیمارستان گلوله ای به پایش اصابت می‌کند . او حالا تحت تعقیب پلیس است . به سراغ هر یک از دوستانش که می‌رود با در بسته ، جوابش را

